

ویژگی‌های مطلوب سیاست‌های آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام‌العمر: دیدگاه اساتید

میترا کامیابی، احمدعلی فروغی ابری*، محمدحسین یارمحمدیان

چکیده

مقدمه: برای روبرو شدن با پدیده انفجار دانش، تکنولوژی‌های جدید و تحولات مستمر مشاغل، نیاز به یادگیری مادام‌العمر احساس می‌گردد. امروزه مراکز آموزش عالی به عنوان مکان‌های کلیدی برای توسعه یادگیری مادام‌العمر در نظر گرفته می‌شوند. این مطالعه در صدد بود به برخی بازننگری‌های ضروری در سیاست‌های سیستم آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام‌العمر از دیدگاه اساتید بپردازد.

روش‌ها: این مطالعه کیفی، به روش تحلیل محتوا در سال ۱۳۹۳ انجام شد. ۱۶ نفر از اعضای هیأت‌علمی دانشگاه‌های اصفهان، کرمان و علوم پزشکی اصفهان که در زمینه آموزش عالی، آموزش و یادگیری دارای سابقه و تجربه بودند که به روش نمونه‌گیری هدفمند برای شرکت در مطالعه انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها، از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته باز پاسخ انجام شد. برای تأمین اعتبار و مقبولیت داده‌ها از شیوه چک همکار و ناظر خارجی استفاده شد. تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوا انجام گرفت.

نتایج: بر پایه نتایج حاصل از این پژوهش چهار طبقه اصلی تحت عنوانین: «ایجاد فرصت‌های یادگیری برابر و مداوم»، «انعطاف‌پذیری در پذیرش بازماندگان آموزش عالی»، «تنوع برنامه‌های آموزشی» و «فراگیر محوری» به عنوان برخی سیاست‌های اساسی آموزش عالی شناخته شد که نیازمند بازننگری هستند.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این پژوهش در بازننگری سیاست‌های آموزش عالی با تأکید بر تربیت افرادی با ویژگی یادگیری مادام‌العمر، قابل کاربست است.

واژه‌های کلیدی: یادگیری مادام‌العمر، سیاست‌های آموزش عالی، تحقیق کیفی

مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی / ۱۳۹۶؛ ۱۷(۵): ۳۷ تا ۴۹

مقدمه

جهانی شدن و رشد سریع علوم به این معنا است که افراد باید مهارت‌ها و دانش خود را در طی زندگی بزرگسالی‌شان تغییر دهند و آن را بهبود بخشند تا

بتوانند با زندگی مدرن کنار بیایند (۱). با نگاه به این شرایط، جوامع اگر بخواهند از فرصت‌های ناشی از این تحولات به نفع خود سود جویند، بایستی به مفهوم یادگیری مادام‌العمر (Life Long Learning) در سراسر دوران زندگی افراد توجه نمایند. یادگیری مادام‌العمر مفهوم جدیدی نیست اما از دهه ۱۹۶۰ توجه سازمان‌های بین‌المللی و نویسندگان را به خود جلب نموده است. آغاز جدی این تلاش‌ها از سال ۱۹۷۲ توسط کمیسیون بین‌المللی توسعه آموزش و پرورش بوده است. از دهه ۱۹۹۰ سازمان یونسکو و سازمان همکار و توسعه

* نویسنده مسؤول: دکتر احمد علی فروغی ابری (دانشیار) گروه علوم تربیتی، واحد خوراسگان (اصفهان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. afroughi@khu.isf.ac.ir
میترا کامیابی، گروه علوم تربیتی، واحد خوراسگان (اصفهان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. kamyabimitra@gmail.com؛ دکتر محمد حسین یار محمدیان (استاد)، مرکز تحقیقات مدیریت و اقتصاد سلامت، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. mhyarm@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۱۲/۲، تاریخ اصلاحیه: ۹۵/۵/۲، تاریخ پذیرش: ۹۵/۶/۲۳

سناریویی برای یادگیری مادام‌العمر در آموزش عالی اروپا مطرح نموده‌اند تا از طریق هموار نمودن راه برای تغییرات واقعی در استراتژی‌های آموزشگاهی، بتوان فرصت‌هایی را برای سازمان‌دهی یادگیری مادام‌العمر فراهم نمود (۱۰). انجمن دانشگاهی اروپا در گزارشی استراتژی‌هایی را برای دانشگاه‌ها و دولت‌ها جهت حرکت به سمت یادگیری مادام‌العمر ارائه نموده است (۸). نتایج پژوهش ناپر و کروپلی (Knapper, Cropley) مشخص نمود، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، به دلیل نقش مهم در کمک به تشکیل سیستم یادگیری مادام‌العمر، نیازمند توجه و رسیدگی شایسته‌ای هستند. دلیل این امر آن است که دانشگاه‌ها، ارزش‌ها و شیوه‌های عمل در جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند که برآیند آن حرکت جامعه به سمت دانش محوری است (۱۱).

تحقیق داک و هینزن (Duke & Hinzen) در سال ۲۰۱۵ به تعهد و عملکرد دانشگاه‌ها در حمایت از آموزش بزرگسالان و یادگیری مادام‌العمر اشاره نموده است و نقش مراکز آموزش عالی را تحقیق درباره یادگیری، نیازهای یادگیری، توسعه شغلی کارکنان و حتی ایده جدید برگزاری کلاس‌های جهانی می‌داند (۱۲).

در رویکرد یادگیری مادام‌العمر برنامه‌ریزی سیاست‌های کلی سیستم آموزشی، فراتر از اهداف تدریس یک درس خاص است (۱۳). نظام آموزش عالی که در آن، تقویت تفکر انتقادی به جای روحیه هم‌نوایی، تقویت همکاری در فعالیت‌ها و تعاملات گروهی جایگزین رقابت‌های انفرادی، یادگیری‌های عمیق و پایدار به جای یادگیری‌های سطحی و گذرا، تقویت اعتماد به نفس به جای خود پنداره منفی و آموزش یادگیری به جای یاد دادن مورد توجه قرار گیرد، به سمت سیاست یادگیری مادام‌العمر پیش خواهد رفت (۲). در صورت تغییر سیاست‌های آموزش عالی با رویکرد یادگیری مادام‌العمر، شیوه‌های انتقال محتوا، اجرا، ارزشیابی و غیره نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت (۱۴). سیاست‌های آموزش عالی در ایران، مطابق چشم‌انداز

اقتصادی (OECD) اقدام‌های خود را در این زمینه آغاز نمودند (۲). به گفته گاندر (Gunder) تاریخچه یادگیری مادام‌العمر به سال ۱۹۲۰ برمی‌گردد؛ یادگیری مادام‌العمر کسب و بازآموزی انواع توانایی، علایق، دانش و صلاحیت‌ها از پیش دبستانی تا بعد از بازنشستگی است و فرد را قادر می‌سازد تا با جامعه دانش محور تطابق یافته و از انواع یادگیری (رسمی، غیررسمی و اتفاقی) نیز استفاده نماید (۳). بنگ (Bang) نیز اشاره می‌نماید که یادگیری مادام‌العمر، به زمان و مکان خاصی محدود نیست (۴). در پژوهش‌های لال (Laal) و کلی (Kelly) ویژگی‌های یادگیری مادام‌العمر بدین شرح توصیف شده است: انعطاف طول دوره، دیدگاه یادگیرنده محوری، یادگیری‌های چند موضوعی و دسترسی آزاد و باز برای همگان (۵ تا ۶).

آموزش عالی به عنوان بالاترین سطح آموزش جامعه، از اهمیت قابل توجهی برخوردار است و نقش اساسی در رشد و توسعه جامعه در ابعاد مختلف علمی، فرهنگی، فناوری، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایفا می‌کند. این دوره آموزشی در ارتقای کیفیت بخش‌های مختلف جامعه نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند و جهت هماهنگ شدن با سطوح مختلف پیشرفت در جامعه، بایستی به مفهوم یادگیری مادام‌العمر توجه ویژه‌ای داشته باشد (۷). توجه به مبحث یادگیری مادام‌العمر در آموزش عالی به دلایل افزایش سرعت جهانی شدن، تغییرات جمعیت شناختی، حرکت جوامع به سمت پیرشدن و تغییرات سریع تکنولوژیکی، یک ضرورت محسوب می‌گردد (۸).

دیمتریسو (Dimitrescu) در پژوهش خود به نقش کلیدی دانشگاه‌ها در زمینه تغییرات فرهنگی و اجتماعی اشاره نموده و مثال‌هایی از کاربرد آن در کشورهای اروپایی ذکر کرده است (۹). در بحث یادگیری مادام‌العمر جامعه نیازمند شهروندانی فعال و یادگیرنده در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی است تا بتوانند با تغییرات اجتماعی کنار آیند (۳). واکینسون و تینوکا (Watkinson, Tinoca)

است. این پژوهش به صورت یک تحقیق کیفی طراحی و اجرا گردید و زمان انجام پژوهش سال ۱۳۹۳ بود. جامعه مورد بررسی اساتید و صاحب‌نظران دانشگاه‌های دولتی اصفهان، کرمان و علوم پزشکی اصفهان بودند که تجربیات ارزشمندی در زمینه برنامه‌ریزی، آموزش و موضوعات وابسته به آن داشتند. در صورت تمایل اساتید برای مشارکت، محقق زمان مناسب برای انجام مصاحبه را هماهنگ می‌نمود و روش نمونه‌گیری به صورت هدف‌مند بود. گردآوری داده‌ها (انجام مصاحبه‌ها) تا اشیاع داده‌ها ادامه پیدا کرد. در نهایت با ۱۶ نفر مصاحبه انجام شد که ۱۰ نفر ایشان از صاحب‌نظران مرکز توسعه آموزش پزشکی دانشگاه‌های علوم پزشکی کرمان و اصفهان و ۶ نفر از متخصصان حوزه برنامه‌ریزی و آموزش دانشگاه‌های اصفهان و شهید باهنر کرمان بودند. مکان مصاحبه در دفتر کار اساتید براساس زمان توافق شده تعیین گردید. هر مصاحبه حدود ۴۵ دقیقه به طول انجامید.

مصاحبه‌ها به صورت نیمه ساختار یافته و سؤالات مصاحبه به صورت باز پاسخ مطرح گردید. سؤالات کلی "درک شما از یادگیری مادام‌العمر در آموزش عالی چیست؟" و "به نظر شما سیاست‌های مطلوب برای قرار گرفتن آموزش عالی در مسیر یادگیری مادام‌العمر چه است؟" سؤالات آغازین مصاحبه بود. سپس براساس پاسخ مشارکت‌کنندگان، سؤالات مصاحبه در جهت یافتن تغییرات ضروری در سیاست‌های موجود هدایت گردید.

متن مصاحبه‌ها ضبط و به جای اسامی افراد از کدهای عددی استفاده شد. بعد از آن، مصاحبه‌ها به صورت مکتوب در آمد و مجدداً با اطلاعات ضبط شده مطابقت گردید. متن مصاحبه‌ها در اختیار مصاحبه شونده‌گان جهت اصلاح و تأیید قرار گرفت. پیاده کردن مصاحبه‌ها و تحلیل داده‌ها (کد گذاری و دسته‌بندی کدها) بعد از انجام اولین مصاحبه شروع شد.

تحلیل داده‌ها به روش تحلیل محتوا (Content analysis)

بیست ساله به شرح زیر تشریح شده‌اند: تعالی و پیشرفت کشور در صحنه‌ی علم و فناوری و روابط بین‌المللی با ترویج پژوهش و دسترسی به مرزهای دانش و تعمیق ارزش‌های دینی، گسترش آموزش عالی در سطح کشور با حفظ کیفیت و برپایی عدالت جهت دسترسی همگان، تربیت نیروی متخصص برای احراز مسئولیت‌های علمی و اجرایی کشور، تحکیم پیوند بین دانشگاه و صنعت، نظارت، حمایت و هدایت دانشگاه‌ها و سیاست‌گذاری علمی(۱۵).

بررسی مستندات نشان می‌دهد برنامه درسی دوره‌های آموزش عالی ایران در جهت تربیت یادگیرندگان مادام‌العمر عمل نمی‌نماید. البته در راستای تربیت یادگیرندگان مادام‌العمر، دانشکده پزشکی شهید بهشتی مداخلاتی را در برنامه درسی دوره پزشکی عمومی وارد کرده که شامل راهبردهای دانشجوی محور، راهبردهای مبتنی بر حل مسأله است(۱۶).

با توجه به موارد بیان شده، اولویت یادگیری مادام‌العمر در سیاست‌های آموزش عالی ایران ذکر گردیده است؛ اما مراکز آموزش عالی به صورت کاربردی از این سیاست استقبال نمی‌نمایند. وجود سیاست‌های مطلوب برای تربیت دانش‌آموختگانی که یادگیرنده مادام‌العمر باشند، در نظام آموزش عالی، امری ضروری به نظر می‌رسد. نگارندگان این مقاله (دکترای برنامه‌ریزی درسی و دارای سوابق پژوهشی و اجرایی) برآن شدند تا با بررسی دیدگاه اساتید با تجربه در این زمینه، مشخص نمایند برای حرکت به سمت رویکرد یادگیری مادام‌العمر، بایستی چه تغییراتی در وضعیت و برخی سیاست‌های فعلی آموزش عالی ایجاد گردد. به عبارت دیگر هدف این مطالعه شناسایی ویژگی‌های مطلوب سیاست‌های آموزش عالی با تأکید بر یادگیری مادام‌العمر از دیدگاه اساتید بود.

روش‌ها

بر اساس معیار هدف، پژوهش حاضر، پژوهش کاربردی

انجام گرفت. پژوهشگر به طبقه‌بندی، مقوله‌بندی عبارت‌ها و توصیف ساختار منطقی آنها و تعیین پیوستگی‌ها و معنای فعلی آنها پرداخت. مراحل به کار گرفته شده برای تحلیل متن مصاحبه‌ها براساس این رویکرد تحلیل، شامل گردآوری داده‌ها (شامل ضبط مطالب)، تقلیل داده‌ها، استنباط و تحلیل بود (۱۷). در این پژوهش واحد تحلیل جمله بود. به این ترتیب برای تحلیل داده‌ها مراحل زیر به دقت دنبال گردید:

متن مصاحبه‌ها کلمه به کلمه روی کاغذ پیاده و پژوهشگران خط به خط و کلمه به کلمه داده‌ها را بازنگری و مفاهیم موجود در هر خط یا جمله مرتبط با موضوع اصلی پژوهش را مشخص نمودند. مفهوم اصلی جملات معنادار به صورت کد استخراج شد. سپس دسته‌بندی کدها آغاز گردید. کدهایی با مفهوم مشترک در یک طبقه قرار و نام‌گذاری گردید. با استفاده از فرآیند تحلیل مقایسه‌ای مداوم، هر داده با تمام داده‌ها مقایسه شد. بدین صورت که با هر مصاحبه جدید، طبقات قبلی بازنگری و طبقات مشابه با یکدیگر ادغام یا طبقه جدیدی ایجاد گردید. با کمک یک فرد باتجربه در تحلیل داده‌های کیفی، کار طبقه‌بندی و نام‌گذاری طبقه‌ها مورد بازنگری قرار گرفت. همچنین در این مطالعه جهت اطمینان از درستی تفسیر داده‌ها از شیوه‌های پرسش از همکار و چک اعضا استفاده گردید. کدهای استخراج شده هر مصاحبه در اختیار خود مصاحبه شونده قرار گرفت و آنها صحت متون پیاده شده و کدهای استخراج شده را تأیید نمودند. برای بازنگری ناظرین، متن برخی از مصاحبه‌ها، کدها و طبقات استخراج شده توسط یک نفر دیگر از اعضای هیأت‌علمی (علاوه بر محقق اصلی) که با روش تجزیه و تحلیل کیفی آشنایی داشت، مورد بررسی قرارگرفت که توافق بالایی (حدود ۸۵ درصد) میان نتایج استخراج شده وجود داشت.

برای افزایش اعتماد و اعتبار علمی نتایج تحقیق از روش‌های مطرح شده توسط پولیت و بک (Polit &

Beck) استفاده شد. این پژوهشگران چهار معیار "تأییدپذیری (Confirability)، اطمینان‌پذیری (Dependability)، باورپذیری (Credibility)، و انتقال‌پذیری (Transferability)" را جهت تأمین استحکام داده‌های کیفی لازم می‌دانند (۱۸). بنابراین به منظور اطمینان‌پذیری داده‌ها، پژوهشگر با رعایت اصول مصاحبه، تعامل طولانی مدت با مشارکت‌کنندگان و اجتناب از سوگیری، این معیار را رعایت نمود. برای اطمینان از تأییدپذیری بعد از تشکیل کدهای اولیه از نظرات شرکت‌کنندگان جهت صحت کدها و تفاسیر اطمینان حاصل شد و در صورتی که کدها با نظرات شرکت‌کنندگان مغایرت داشت اصلاح صورت گرفت. همچنین از شیوه کنترل توسط دو نفر از اعضای هیأت‌علمی و متخصص در زمینه تحقیق کیفی استفاده شد و توافق‌نظر روی کدهای انتخابی و طبقه‌بندی صورت گرفت. برای کسب انتقال‌پذیری، طبقات استخراج شده در اختیار دو نفر از اساتید که در تحقیق شرکت نداشتند، قرار گرفت تا مشخص گردد آیا تشابهی بین نتایج تحقیق و تجارب ایشان وجود دارد یا نه؟ باورپذیری نیز با ثبت کامل و مداوم فعالیت‌های پژوهشگر درباره چگونگی جمع‌آوری، تحلیل داده‌ها و ارائه گزیده‌هایی از متن مصاحبه‌ها برای هر یک از طبقات تأمین شد. در این پژوهش ملاحظات اخلاقی با ارائه اطلاعات شفاهی و کتبی در خصوص مطالعه به مشارکت‌کنندگان، اختیاری بودن شرکت ایشان و تکمیل رضایت‌نامه کتبی رعایت گردید. به شرکت‌کنندگان در خصوص محرمانه ماندن گفتگوها و رعایت اصل رازداری، ضبط مصاحبه به صورت بی‌نام و پاک نمودن فایل مصاحبه پس از پایان تحقیق، اطمینان داده شد. محقق با در اختیار قرار دادن شماره تماس و آدرس پست الکترونیکی خود، این امکان را برای شرکت‌کنندگان به وجود آورد تا بتوانند در هر مرحله از تحقیق انصراف خود را از شرکت در مطالعه، به اطلاع پژوهشگر رسانده و در صورت تمایل، نتایج تحقیق در اختیار ایشان قرار گیرد.

متن مصاحبه‌ها کلمه به کلمه روی کاغذ پیاده و پژوهشگران خط به خط و کلمه به کلمه داده‌ها را بازنگری و مفاهیم موجود در هر خط یا جمله مرتبط با موضوع اصلی پژوهش را مشخص نمودند. مفهوم اصلی جملات معنادار به صورت کد استخراج شد. سپس دسته‌بندی کدها آغاز گردید. کدهایی با مفهوم مشترک در یک طبقه قرار و نام‌گذاری گردید. با استفاده از فرآیند تحلیل مقایسه‌ای مداوم، هر داده با تمام داده‌ها مقایسه شد. بدین صورت که با هر مصاحبه جدید، طبقات قبلی بازنگری و طبقات مشابه با یکدیگر ادغام یا طبقه جدیدی ایجاد گردید. با کمک یک فرد باتجربه در تحلیل داده‌های کیفی، کار طبقه‌بندی و نام‌گذاری طبقه‌ها مورد بازنگری قرار گرفت. همچنین در این مطالعه جهت اطمینان از درستی تفسیر داده‌ها از شیوه‌های پرسش از همکار و چک اعضا استفاده گردید. کدهای استخراج شده هر مصاحبه در اختیار خود مصاحبه شونده قرار گرفت و آنها صحت متون پیاده شده و کدهای استخراج شده را تأیید نمودند. برای بازنگری ناظرین، متن برخی از مصاحبه‌ها، کدها و طبقات استخراج شده توسط یک نفر دیگر از اعضای هیأت‌علمی (علاوه بر محقق اصلی) که با روش تجزیه و تحلیل کیفی آشنایی داشت، مورد بررسی قرارگرفت که توافق بالایی (حدود ۸۵ درصد) میان نتایج استخراج شده وجود داشت.

برای افزایش اعتماد و اعتبار علمی نتایج تحقیق از روش‌های مطرح شده توسط پولیت و بک (Polit &

نتایج

یادگیرندگان و فراهم نمودن موقعیت یادگیری مادام‌العمر برای جمعیت متنوع از افراد بود.

(۱) محدود نبودن یادگیری به زمان و مکان شرکت‌کنندگان محدود نبودن یادگیری را یکی از دلایل مهم برای یادگیری مادام‌العمر می‌دانستند. به نقل از مشارکت‌کننده شماره ۶ «در تدوین سیاست‌ها باید تأکید روی ایجاد فرصت‌هایی بدون هیچ محدودیت مکان، زمان، سن و موقعیت باشد. یادگیری در تمام مکان‌ها مثل خانه، مدرسه، دانشگاه، خیابون، محل کار، کانون‌ها و انجمن‌های مختلف به شیوه‌های مختلف از طریق کتاب‌ها، روزنامه‌ها و تکنولوژی‌های جدید صورت می‌گیرد».

(۲) حذف موانع سنی و جنسی یادگیرندگان در ارتباط با لزوم حذف موانع سنی و جنسی یادگیرندگان، مشارکت‌کننده شماره ۳ معتقد بود: «در یادگیری مادام‌العمر ما باید محدودیت‌ها را به حداقل برسونیم. یعنی شرکت در کلاس‌ها براساس سن افراد نباشد».

(۳) فراهم نمودن موقعیت یادگیری مادام‌العمر برای جمعیت متنوع از افراد مشارکت‌کننده ۹ معتقد بود «دانشگاه باید بر تمام سنین و افراد برنامه داشته باشد نه این که دانشگاه فقط جای جوانان باشد و به میانسال برود به این سیستم خجالت بکشد که بعضی موقع‌ها هم حس می‌کنه نمی‌تونه با جوانان رقابت کنه. یعنی ما نباید فقط روی جوانان متمرکز باشیم».

ب) انعطاف‌پذیری در پذیرش بازماندگان آموزش عالی این طبقه اصلی دارای دو زیرطبقه: بازگرداندن افراد مستعد یادگیری به آموزش عالی، حذف موانع قانونی جهت بازگشت به آموزش عالی بود.

(۱) بازگرداندن افراد مستعد یادگیری به آموزش عالی سیستم آموزش عالی باید بتواند افرادی که سیستم را

مشارکت‌کنندگان این مطالعه، ۹ نفر مرد و ۷ نفر زن بودند. شرکت‌کنندگان اساتیدی با سابقه کار آموزشی بین ۵ تا ۲۶ سال بودند. از این تعداد، ۴ نفر استاد، ۷ نفر دانشیار و ۵ نفر استادیار بودند. در تحلیل مصاحبه‌ها ۳۳۵ کد به دست آمد که بعد از حذف کدهای تکراری و ادغام موارد مشابه، در نهایت ۷۰ کد بدست آمد که در ۴ طبقه اصلی و ۱۲ زیرطبقه قرار گرفت. این درون‌مایه‌ها عبارت بودند از «فرصت یادگیری برابر و مداوم»، «انعطاف‌پذیری در پذیرش بازماندگان آموزش عالی»، «تنوع برنامه‌های آموزشی» و «فراگیر محوری» که به طور جداگانه در جدول شماره ۱ نشان داده و توصیف شده‌است.

جدول ۱: طبقات اصلی و زیرطبقات به دست آمده جهت ویژگی‌های مطلوب سیاست‌های آموزش عالی با تأکید بر اصل یادگیری مادام‌العمر

ایجاد فرصت‌های یادگیری برابر و مداوم
محدود نبودن یادگیری به زمان و مکان
حذف موانع سنی و جنسی یادگیرندگان
فراهم نمودن موقعیت یادگیری مادام‌العمر برای جمعیت متنوع از افراد
انعطاف‌پذیری در پذیرش بازماندگان آموزش عالی
بازگرداندن افراد مستعد یادگیری به آموزش عالی
حذف موانع قانونی جهت بازگشت به آموزش عالی
تنوع برنامه‌های آموزشی
ایجاد فرصت‌های چندگانه آموزشی برای فراگیران
توجه به شرایط و نیازهای متفاوت یادگیرندگان و شرکت‌کنندگان
تنوع اهداف و برنامه‌ها متغیر ساختن طول مدت دوره تحصیل
فراگیر محوری
توجه به راه‌های متفاوت یادگیری هر فرد
گسترش خدمات حمایتی دانش‌آموختگان
گذر از برنامه‌های آموزش محور و معلم محور

الف) ایجاد فرصت‌های یادگیری برابر و مداوم این طبقه اصلی شامل سه زیرطبقه: محدود نبودن یادگیری به زمان و مکان، حذف موانع سنی و جنسی

متفاوت یادگیرندگان و شرکت‌کنندگان، تنوع اهداف و برنامه‌ها و متغیر ساختن طول مدت دوره تحصیل بود.

۱) ایجاد فرصت‌های چندگانه آموزشی برای فراگیران شرکت‌کننده ۱۶ معتقد بود: «انسان‌ها یکسری نیازهای مشترک دارند و یک سری نیازهای متفاوت یادگیری مادام‌العمر مهارتی که همه انسان‌ها باید داشته باشند. با توجه به این نیازهای متفاوت، تو تعیین اهداف دوره، مهمترین مسایل اینه که با نیازهای مخاطبین هم خوانی داشته باشه. بنابراین در تدوین اهداف باید فرصت‌های چندگانه و متنوع یادگیری برای فراگیران فراهم بشه. نیازهای تمام اونها مثل هم نیست و ما نمی‌تونیم یکسری هدف ثابت و مشخص داشته باشیم و بخواهیم افراد به آنها عمل کنن» مشارکت‌کننده شماره ۲ اشاره نمود که: «در آموزش عالی ما بایستی همه شیوه‌های آموزش مثل آموزش رسمی، غیر رسمی و اتفاقی را داشته باشیم».

۲) توجه به شرایط و نیازهای متفاوت یادگیرندگان و شرکت‌کنندگان

مشارکت‌کننده شماره ۱ بیان نمود: «قرار نیست همه کلاس‌ها حتماً به صورت حضوری تشکیل بشه ما باید از تکنولوژی‌ها و شیوه‌های جدید استفاده کنیم. ضمناً کلاس‌ها در ساعت خاصی تشکیل نشه بلکه هر فرد بتونه بنا به شرایط شغلی و زندگی خود ساعات یادگیری خود را انتخاب کنه»

مشارکت‌کننده شماره ۴ بیان نمود: «شیوه‌های پذیرش دانشجو باید تغییر کنه. امروزه در آموزش عالی هر فردی که محفوظات بیشتری داشته باشه و سرعتش بالاتر باشه موفق تره. اینجا ما خیلی از استعدادها مون رو به خاطر این محدودیت‌ها از دست می‌دیم فرآیند یاددهی و یادگیری ما باید به صورتی باشه که به جای ذهن مملو از اطلاعات باید ذهنی را ایجاد کنیم که پردازش‌کننده اطلاعات باشه».

شرکت‌کنندگان بر لزوم ایجاد فرصت‌های آموزش و

ترک نموده‌اند مجدداً برای یادگیری به سیستم برگرداند. مشارکت‌کننده شماره ۹ بیان نمود: «افراد ممکنه به دلایل مختلف سیستم آموزش عالی روترک کنن یعنی یا فارغ‌التحصیل میشن یا به خاطر مشکلات ترک تحصیل می‌کنن. ما باید افراد رو ترغیب کنیم و توی اونا انگیزه ایجاد کنیم تا دوباره به آموزش عالی برگردن و مشغول یادگیری بشن» مشارکت‌کننده شماره ۵ معتقد بود: «با قطع نشدن ارتباط بین آموزش عالی، فارغ‌التحصیلان و محیط کاری می‌تونیم باعث برگردوندن افراد مستعد یادگیری به آموزش عالی بشیم».

۲) حذف موانع قانونی جهت بازگشت به آموزش عالی در ارتباط با حذف موانع قانونی جهت بازگشت به آموزش عالی مشارکت‌کننده شماره ۳ بیان نمود: «در تدوین سیاست‌ها باید موانع قانونی رو برای ادامه تحصیل فارغ‌التحصیلان برطرف کنیم. یادگیرنده مادام‌العمر یعنی یادگیرنده‌ای که بی وقفه بخونه، بدون برش زمانی و انقطاع آموزشی یعنی لیسانس‌نگیره بعد از چند سال فوق لیسانس ممکنه میون این دو دوره یک فاصله و برش زمانی بیفته و فرد از سیستم آموزش و یادگیری فاصله بگیره. در واقع به صورت پیوسته ادامه تحصیل ندادن، می‌تونه یک مانع باشه».

در رابطه با اصلاح قوانین پذیرش، مشارکت‌کننده شماره ۵ اظهار داشته: «متأسفانه عامه مردم فکر می‌کنن که آموزش و یادگیری باید در دوره ای معین، فضایی معین، معلمانی خاص و سن خاصی صورت بگیره و هر نوع آموزشی که این شرایط را نداشته باشه قابل قبول نیست. اما امروزه این تعریف قابل قبول نیست و ما باید با انعطاف‌پذیری و خلاقیتی بیشتر به امر آموزش نگاه کنیم».

ج) تنوع برنامه‌های آموزشی

این طبقه اصلی، شامل ایجاد فرصت‌های چندگانه آموزشی برای فراگیران، توجه به شرایط و نیازهای

۴) متغیر ساختن طول مدت دوره تحصیل مشارکت‌کننده شماره ۴ معتقد بود: «بایستی طول مدت دوره‌های یادگیری و آموزش با توجه به شرایط یادگیرندگان تغییر کند. یعنی با توجه به شرایط یادگیرندگان باید بتونیم دوره‌های کوتاه مدت و بلند مدت تعریف کنیم. در یادگیری مادام‌العمر ما می‌تونیم آموزش‌های کوتاه مدت یا بلند مدت داشته باشیم». مشارکت‌کننده شماره ۱۳ معتقد بود: «ما باید به مطالعات نیمه وقت هم نیز توجه کنیم. برای دوره‌های آموزش یک زمان ثابت مثلاً چهار سال را در نظر نگیریم. بایستی افراد بتونن متناسب با شرایط خودشون طول مدت تحصیلشون را تنظیم کنن».

د) فراگیر محوری

در این طبقه اصلی سه زیرطبقه: توجه به راه‌های متفاوت یادگیری هر فرد، گسترش خدمات حمایتی دانش‌آموختگان، گذر از برنامه‌های آموزش محور و معلم محور بود.

۱) توجه به راه‌های متفاوت یادگیری هر فرد در اظهارات مشارکت‌کنندگان تأکید بر توجه به راه‌های متفاوت یادگیری هر فرد است. به عنوان مثال مشارکت‌کننده شماره ۲ اظهار کرد: «فرصت‌های یادگیری باید به صورت تکوینی در دسترس باشد. یعنی هر فرد راه و روش یادگیری خاص خود را دارد که بر اساس علایق و نیازهای زندگیه. محتوای یادگیری، راه یادگیری و مکان یادگیری بستگی به یادگیرنده دارد. تمام اینها نشون دهنده این امره که سیستم رسمی یادگیری باید منعطف‌تر و بازتر باشه تا با نیازها و پتانسیل‌های یادگیرنده سازگار باشه». مشارکت‌کننده شماره ۷ بیان داشت: وجه به تفاوت‌های فردی، سبک‌ها و شیوه‌های مختلف یادگیری در هر فرد خیلی مهمه».

یادگیری برای دانش‌آموختگان تأکید نمودند. مشارکت‌کننده شماره ۵ اظهار کرد: «ما می‌تونیم افراد رو تشویق کنیم تا بر اساس علایق خودشون وارد مبحث یادگیری بشن. برخی قوانین مثل فارغ‌التحصیل رشته خاص بودن، می‌تونه یک مانع برای یادگیری بر اساس علایق فرد باشه یعنی فرد به مبحثی علاقه پیدا می‌کنه یا به دانستن مطلبی در زندگی شخصی خود نیاز داره اما به خاطر هم‌خوان نبودن رشته نمیتونه در این بحث شرکت کنه».

در ارتباط با توجه به تفاوت‌های فردی، سبک‌ها و شیوه‌های مختلف یادگیری هر فرد، مشارکت‌کننده شماره ۱۲ بیان نمود: «یادگیری مثل اثر انگشت شخصیه. افراد سرعت یادگیری متفاوت، ریتم متفاوت و توجه متفاوت دارن. بنابراین نقش مدرس مشخص ساختن سبک یادگیری مناسب بر اساس ویژگی‌های شخصی افراد هم‌زماناً باید افراد را به سمت زمینه‌های مناسب یادگیریشون هدایت کنیم. این موجب ایجاد انگیزه برای یادگیری بیش‌تر در افراد می‌شه».

مشارکت‌کننده شماره ۱۱ بیان نمود «توجه به شرایط متفاوت شغلی و موقعیتی یادگیرندگان اهمیت داره ضمناً باید به برنامه‌ها و واحدهای متنوع نیز توجه کنیم». مشارکت‌کننده شماره ۱۰ بیان می‌نمود: «یادگیری مادام‌العمر تأکید روی اهمیت آنچه یادگیرندگان واقعا می‌دوند، قادرند انجام بدن و بفهمند، داره. تو این راه ما نیازمند یک سیستم آموزشی منعطف، که نیازهای متنوع یادگیرندگان را ببینه، هستیم».

۳) تنوع اهداف و برنامه‌ها

مشارکت‌کننده شماره ۱۵ اظهار نمود: «هر فرد برای خودش یکسری اهداف داره. توی تدوین اهداف آموزش عالی باید به اهداف یادگیری افراد مختلف توجه بشه و بهتره تنوع اهداف کوتاه مدت پیش‌تر باشه».

۲) گسترش خدمات حمایتی دانش‌آموختگان

مشارکت‌کننده شماره ۲ معتقد بود: «متأسفانه توی دانشگاه‌های ما دانشجوی که فارغ‌التحصیل میشه، کلا ارتباطش با دانشگاه قطع میشه و نمیتونه از امکانات دانشگاه استفاده کنه. مثلاً حتی فارغ‌التحصیل رو تو دانشگاه راه نمیدن چون کارت دانشجویی نداره. ارتباطش با اساتید هم قطع میشه. حتی از کتاب‌های کتابخونه دانشگاه هم نمیتونه استفاده کنه».

مشارکت‌کننده شماره ۱۰ اظهار کرد: «فارغ‌التحصیلی ما بعد از فارغ‌التحصیلی حتی به عنوان کارورز از طرف دانشگاه به موسسات معرفی نمیشن و کلا ارتباطشان با دانشگاه قطع و هیچ حمایتی دریافت نمی‌کنن».

۳) گذر از برنامه‌های آموزش محور و معلم محور مشارکت‌کننده شماره ۴ بیان داشت: «وظیفه استاد فقط انتقال اطلاعات نیست. در مفهوم یادگیری مادام‌العمر استاد نقش مهمی را در هدایت و راهنمایی دانشجوی بر عهده داره».

بحث

هدف از این مطالعه، شناسایی ویژگی‌های مطلوب سیاست‌های آموزش عالی با تأکید بر یادگیری مادام‌العمر بود. یافته‌های مطالعه حاضر ۴ طبقه اصلی و ۱۲ زیرطبقه را آشکار نمود. طبقات اصلی «ایجاد فرصت‌های یادگیری برابر و مداوم»، «انعطاف‌پذیری در پذیرش آموزش عالی»، «تنوع برنامه‌های آموزشی» و «فراگیر محوری» به عنوان برخی ویژگی‌های سیاست‌های اساسی آموزش عالی شناخته شد که لازمه حرکت آموزش عالی به سمت یادگیری مادام‌العمر است. سایر مطالعات انجام شده پیرامون یادگیری مادام‌العمر ویژگی‌هایی را بر شمرده‌اند که برخی از آنها با ویژگی‌های مطالعه حاضر همخوانی داشت.

اولین طبقه اصلی در این مطالعه گسترش آموزش عالی در سطح کشور با ایجاد فرصت‌های یادگیری برابر و

مداوم بود. این طبقه اصلی دارای زیر طبقات محدود نبودن یادگیری به زمان و مکان، حذف موانع سنی و جنسی یادگیرندگان، و فراهم نمودن موقعیت یادگیری مادام‌العمر برای جمعیت متنوع از افراد بود. شرکت‌کنندگان فضای آزاد آموزشی و کاهش موانع ادامه تحصیل را در استمرار یادگیری مورد تأکید قرار دادند جهت اجرایی شدن بحث یادگیری مادام‌العمر نیازمند ایجاد یکسری تغییرات هستیم. دیگر آموزش عالی صرفاً متمرکز بر حضور گروه خاصی از لحاظ جنسیت و سن نیست. مهم احساس نیاز و علاقه مندی به امر یادگیری است و هر فردی می‌تواند با توجه به شرایط خود بیاموزد. در این راستا، لال (Laal) و سلامتی برخی سیاست‌های حرکت به سمت یادگیری مادام‌العمر را بدین شرح بر شمردند: تسهیل دسترسی باز، افزایش انعطاف‌پذیری، ایجاد انگیزه در مردم برای یادگیری، افزایش اثر بخشی و مفید بودن یادگیری (۱۹). پژوهشی با عنوان "بررسی چالش‌های فرآیند برنامه‌ریزی درسی برای توسعه فرصت‌های یادگیری دانشگاه با رویکرد جامعه یادگیری" به این نتایج دست یافت که جامعه یادگیری باید فرصت‌های یادگیری در سراسر زندگی را فراهم نماید تا هر فرد با انگیزه به یادگیری بپردازد و بتواند خود و جامعه را به کمال برساند. دانشگاه در تحقق این مهم نقش بسزایی دارد. کریمی در این پژوهش بر نقش دانشگاه جهت فراهم نمودن فرصت‌های متنوع یادگیری و تنوع در برنامه‌ها و ایجاد فرصت‌های یادگیری بدون محدودیت سنی، زمانی و مکانی پرداخته است (۲۰). یادگیری مادام‌العمر تمام رده‌های سنی یادگیری از گهواره تا گور و همه فرم‌های آموزش رسمی، غیر رسمی، پنهان و یادگیری در همه مکان‌ها مانند محل کار، محل تحصیل و زندگی روزمره افراد را در بر می‌گیرد. ضمناً بر توسعه فردی و حرفه‌ای متمرکز است. با هدف افزایش دانش و توانایی در محدوده زندگی فردی، شهروندی، اجتماعی و اشتغال افراد می‌توانند بر آینده

موانع دیگر آنها عبارتند از سن زیاد، بیمار بودن، کمبود وقت، کمبود اطلاعات درباره آنچه در دسترس است؛ ترس از رقابت با جوانان. محیط آموزش عالی بایستی این محدودیت‌ها را به حداقل برساند و شرایط را برای بازگشت افراد به آموزش عالی فراهم نماید (۲۲).

در این مطالعه، تنوع برنامه‌های آموزشی به عنوان یکی از ویژگی‌های مطلوب سیاست‌های آموزش عالی در جهت حرکت به سوی یادگیری مادام‌العمر معرفی شده است. این طبقه اصلی شامل زیر طبقات ایجاد فرصت‌های چندگانه آموزشی برای فراگیران، توجه به شرایط و نیازهای متفاوت یادگیرندگان و شرکت‌کنندگان، تنوع اهداف و برنامه‌ها و متغیر ساختن طول مدت دوره تحصیل بود. کریمی بیان می‌دارد که سیستم آموزش عالی ایران برای تحقق یادگیری مادام‌العمر بایستی به تدارک فرصت‌های یادگیری به شکل‌های مختلف پردازد. شکل‌های مختلف آموزش و یادگیری عبارتند از رسمی، غیر رسمی و اتفاقی (۲۰). سالکیند (Salkind) یادگیری مادام‌العمر را یک روند آموزشی می‌داند که بزرگسالان را در فرصت‌های چندگانه آموزشی (رسمی و غیر رسمی) درگیر می‌نماید. این نوع یادگیری با یادگیری در دوران کودکی تفاوت دارد زیرا یادگیری عمدی، داوطلبانه و تحت کنترل یادگیرنده بزرگسال است (۲۳). راهنمای یونسکو نیز تأکید بر تلفیق میان مراکز آموزشی و سازمان‌ها برای انتقال نتایج یادگیری از کار به زندگی و بالعکس دارد (۲۴). محمدی‌مهر و همکاران نقش دانشگاه‌ها را از طریق ارائه دوره‌ها و آموزش‌های متنوع، ایجاد کرسی‌های استادی بین‌المللی و تبادل استاد و دانشجو میان کشورها مهم می‌شمارند. و از این طریق می‌توان اطمینان داد که بهترین آموزش به طور گسترده در دسترس همگان قرار می‌گیرد (۲۵). بنگ (Bang) یکی از سیاست‌های آموزش عالی اروپا را حرکت به سمت هدف یادگیری مادام‌العمر می‌داند؛ در واقع یک تمرین و حرکت مناسب به سمت دیدن نیازهای متنوع افراد است. مراکز

خود کنترل بیش‌تری داشته باشند (۴). درباره یادگیری مادام‌العمر لال (Laal) و علی‌رامعی (Aliramaei) فرم یادگیری منعطف، را مورد نیاز می‌دانند تا فرد را قادر سازد در همه زمان‌ها و مکان‌ها یاد بگیرد. همچنین با شیوه‌های خاص خود بیاموزد (۵). کوپر و تاتر (Koper & Tatter) می‌نویسند: یادگیری مادام‌العمر در مکان‌های زیاد مثل خانه، کلوپ، کلیسا، سینما، اتحادیه‌های کارگری، به شیوه‌های مختلف از طریق کتاب‌ها، روزنامه‌ها و تکنولوژی‌های جدید صورت می‌گیرد (۲۱). لال (Laal) می‌نویسد: یادگیری مادام‌العمر یعنی یادگیری در تمام مراحل زندگی اتفاق می‌افتد و تمام متن زندگی را از مدرسه تا کار در بر می‌گیرد. جامعه یادگیری، جامعه‌ای است که در آن فرصت‌های یادگیری برای همه افراد و هر سنی را فراهم می‌نماید. یادگیری مادام‌العمر ساخت مداوم مهارت‌ها و دانش و استفاده از آنها در طول زندگی یک فرد است (۱).

انعطاف‌پذیری در پذیرش بازماندگان آموزش عالی به عنوان یکی از ملزومات برای بازنگری در سیاست‌های آموزش عالی با تأکید بر رویکرد یادگیری مادام‌العمر ذکر شد. زیرطبقات این طبقه اصلی: بازگرداندن استعدادها به آموزش عالی و حذف موانع قانونی جهت بازگشت به آموزش عالی، بود.

آموزش عالی با حذف موانع قانونی ادامه تحصیل یادگیرندگان بایستی فرصت آموزشی را بدون استثنا برای همه افراد فراهم نماید تا افراد بیاموزند که چگونه یاد بگیرند و توانایی خود راهبری داشته باشند (۲۰). از اهداف دانشگاه‌های اروپایی تمرکز بر انعطاف و شخصی‌سازی آموزش در سنین بالای ۲۵ سال است و این امر موجب گسترش مشارکت در آموزش عالی و کاهش میزان ترک تحصیل و توسعه فرصت‌های یادگیری برای تمام افراد بوده است (۴). دمیرال (Demiral) یکی از موانع حرکت به سمت یادگیری مادام‌العمر را ترس یادگیرندگان بزرگسال از بازگشت به یادگیری می‌داند.

استفاده نماید.

از محدودیت‌های عمده پژوهش حاضر، می‌توان به محدود بودن نمونه پژوهش به اساتید دانشگاه‌های کرمان و اصفهان اشاره نمود. براین اساس پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده جامعه آماری وسیع‌تری، به منظور آگاهی از نظر دیگر اساتید متخصص در این زمینه، انتخاب گردد و نیز با انجام پژوهش‌های مشابه می‌توان سایر زیرساخت‌ها و مولفه‌های برنامه درسی با رویکرد یادگیری مادام‌العمر را مورد بررسی قرار داد. همچنین پیشنهاد می‌شود وضع موجود آموزش عالی، از نظر میزان توجه و کاربست یادگیری مادام‌العمر مورد بررسی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری

وجود سیاست‌های مطلوب برای تربیت دانش‌آموختگانی که یادگیرنده مادام‌العمر باشند، در نظام آموزش عالی، امری ضروری به نظر می‌رسد. بر اساس نتایج بدست آمده آمده، مولفه‌هایی که باید در بازنگری‌ها به آنها توجه گردد شامل: گسترش آموزش عالی در سطح کشور با ایجاد فرصت‌های یادگیری برابر (مداوم)، اصلاح قوانین مربوط به پذیرش در آموزش عالی، تنوع برنامه‌های آموزش، انعطاف‌پذیری در دوره‌های آموزشی، فراگیر محوری هستند؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در آموزش عالی با ایجاد تغییر در برخی سیاست‌های آموزش عالی و طراحی راهبردهای اثر بخش و کاربردی، فرصت مناسبی جهت رشد ویژگی یادگیری مادام‌العمر در دانش‌آموختگان را فراهم نمایند.

قدردانی

این مقاله مربوط به بخشی از پایان نامه دکتری برنامه‌ریزی درسی نویسنده مسؤل است با عنوان «بررسی ویژگی‌های تحقق برنامه درسی با رویکرد یادگیری مادام‌العمر در آموزش عالی به منظور طراحی و

آموزش و یادگیری رسمی بیشتر بر روی طول مدت مشخص و ثابت دوره، موضوعات مشخص و سطوح تحصیلی تأکید می‌کنند. اما در یادگیری مادام‌العمر تأکید بر اهمیت آنچه یادگیرندگان واقعا می‌دانند، قادرند انجام دهند و بفهمند، است (۲۶). در این راه ما به یک سیستم آموزشی منعطف، که نیازهای متنوع یادگیرندگان را ببیند نیاز داریم.

فراگیر محوری به عنوان آخرین طبقه اصلی مطرح شده از سوی مشارکت‌کنندگان بود. زیر طبقات آن شامل توجه به راه‌های متفاوت یادگیری هر فرد، گسترش خدمات حمایتی دانش‌آموختگان و گذر از برنامه‌های آموزش محور و معلم محور بود. در واقع این خود فراگیر است که چپستی و چگونگی یادگیری را تعیین می‌کند تا همان طور اتفاق بیفتد. دمیرال (Demiral) یادگیری را مانند اثر انگشت فرآیندی شخصی می‌داند. افراد سرعت یادگیری متفاوت، ریت متفاوت و توجه متفاوت دارند. بنابراین نقش مدرس مشخص ساختن سبک یادگیری مناسب بر اساس ویژگی‌های شخصی افراد است. ضمناً باید افراد را به سمت زمینه‌های مناسب یادگیری‌شان هدایت نمود. این موجب ایجاد انگیزه برای یادگیری بیشتر در افراد می‌گردد (۲۲). آموزش باید مجذوب یادگیری مادام‌العمر باشد و ظرفیت و اشتیاق افراد را برای یادگیری دنبال نماید. منحصر به فردسازی، انعطاف‌پذیری و تمرکز بر یادگیرندگان و یادگیری (به جای تمرکز بر مربیان و تدریس)، ایجاد محیط‌های یادگیری قوی که در آن دانشجویان کاشف و سازندگان دانش هستند از مهم‌ترین نگرش‌ها در پارادایم یادگیری مادام‌العمر در آموزش عالی است (۲۵).

از نقاط قوت این پژوهش این است که جزء معدود مطالعاتی است که در ایران به بررسی سیاست‌های آموزش عالی با توجه به رویکرد یادگیری مادام‌العمر پرداخته است و چون با رویکرد کیفی به بررسی عوامل توجه شده است، توانسته به صورت عمیق تجربیات اساتید را بررسی و از این تجارب برای کاربردهای عملی

ارائه الگو» که در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان انجام گرفته است. بدین وسیله ضمن قدردانی از همه مسئولین و دست‌اندرکاران این دانشکده، از همکاری صمیمانه اساتید محترم شرکت‌کننده در این پژوهش، تشکر می‌شود.

منابع

1. Laal M Key necessities for lifelong learning *Procedia of social and behavioral sciences* 2013; 8(3): 937-941
2. Karimi S, Nasr A, Boghratian K [Lifelong learning the approach of university in 21st century] Isfahan: samt ; 2009. [Persian]
3. Gunder E Perspective on lifelong learning third age university *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 2014; 116: 1165 – 1169.
4. Bang J Organising lifelong learning *European Association of Distance Teaching Universities (EADTU) ; 2010* [citd 2016 Sep 25] available from: <http://eadtueu/home/policy-areas/lifelong-learning/publications/126-organising-life-long-learning>.
5. Laal M, Laal A, Aliramaei A Continuing Education lifelong learning *Procedia of social and behavioral sciences* 2014 ; 116: 4052-4056.
6. Kelly DK Lifelong learning in higher education: A strategy for the future *Prague proceeding of the European Association of Institutional Research (EAIR) Conference Prague, Czech Republic, September 2002*.
7. Sabaghian Z [The foundation of adult education] Tehran: Samt; 2011. [Persian]
8. European universities charter on lifelong learning *European university Association (EUA); 2008*. [citd 2016 Sep 25] available from: http://www.waucenacat/fileadmin/user_upload/p_aucen/European_Universities__Charter_on_Lifelong_learning.pdf
9. Dimitrescu M, Sârbu LV, Lacroix OY *European Trends for Adults Education in Lifelong Learning Strategy Modern Methods and Romanian Skills in Training Management* *Procedia Social and Behavioral Science* 2015; 180: 1161 – 1169
10. Watkinson M, Tinoca L *Showcases of University Strategies and Business Models for Lifelong Learning; 2010*. [citd 2016 Sep 25] available from <http://imvaudk/usbm/showcaseseadtupdf>
11. Knapper CK, Cropley AJ *Lifelong learning in higher education* 3th ed Massachusetts: Elsevier Publication; 2005.
12. Duke Ch ,Hinzen H *University engagement and the post 2015 agenda what are the roles and functions to support adult education and lifelong learning?* *procedia of social and behavioral sciences* 2014; 142: 29-35.
13. Vakilian M [Raveshha va fonoon tadrish] Tehran: Payam noor publication ; 2007. [Persian]
14. Newble D, Cannon R A *handbook for teachers in universities and colleges* Abingdon-on-Thames: Routledge; 2009.
15. Abtahi H, Torabian M [Baresiyeh Tahaghoghe ahdafe amoozeshe ali bar asas sanad cheshm andaz bist sale keshvar ba ravesh farayande tahlile selsele maratebi] *fasnameh pazhohesh dar nezamhay amoozeshi* 2010; 4(8): 31-60. [Persian]
16. Yazdani Sh, Hoseini F, Homaoni Zand R [Eslahate barnameye amoozeshye pezeshkyye omoomi faze oloom payeye mabanye nazari va morore yek tajrobeh] Tehran: Shaheed Beheshti University of Medical Sciences; 2006. [Persian]
17. Salsali M, Adib Hajbagheri M, Parvizi S [Rveshhaye tahghighe keifi] Tehran: Boshra; 2011 [Persian]
18. Polit D, Beck CT *Nursing research: principles and methods* Philadelphia PA: Lippincott Williams & Wilkins; 2006.
19. Laal M, Salamaty P *Lifelong learning; why do we need it?* *Procedia social and Behavioral Sciences* 399-403.
20. Karimi S [Curriculum review process challenges to the development of learning opportunities with community approach to learning] [dissertation] Isfahan: Education and Psychology school; 2012.

21. Koper R, Tatter C. New direction for lifelong learning using network technologies. *BJET* 2004; 35(6): 689-700.
22. Demiral M. Lifelong learning and school in the 21 century. *procedia social and behavioral sciences* 2009; 1(1): 1709-1716.
23. Salkind N. *Encyclopedia of Educational Psychology*. Thousand Oaks, California: Sage publication; 2008.
24. Unesco Guidelines for the recognition, validation and accreditation of the outcomes of non-formal and informal learning: Published by Unesco institute for lifelong learning; 2012. [cited 2016 Oct 4] available from: www.unesco.org/uiil
25. Mohammadimehr M, Maleki H, Khoshdel AR, Abaspour A. [Quality Study on The Role of academic members in Military Medical Courses With Life-Long Learning Approach]. *Annals of Military and Health Sciences Research*. 2012; 9(4): 256-263. [Persian]
26. Mazaheri MM, Fadavi M. The role of educational technology in lifelong learning. *procedia of social and behavioral sciences*. 2011; 28(3): 842-844.

Desirable Features of Higher Education Policies with an Emphasis on Lifelong Learning Approach: Faculty Members' Perspective

Mitra kamyabi¹, Ahmad Ali Foroughi Abari², Mohammad Hosein Yarmohammadian³

Abstract

Introduction: Lifelong learning seems to be a necessity for facing knowledge explosion, new technologies and constant occupational changes. Nowadays, higher education centers are considered key sites for developing lifelong learning. This study aim to address faculty members' perspective on some urgent revisions in higher education policies with an emphasis on lifelong learning approach..

Methods: This qualitative study was conducted in 2014 using content analysis. Sixteen faculty members were selected from University of Isfahan, Isfahan University of Medical Sciences and University of Kerman who were experienced in the fields of higher education, education and learning; subjects were selected using purposive sampling. Data were collected through semi-structured, open-ended interviews. Credibility and acceptability of the data were confirmed by inter-rater reliability and outside observer. The data were analyzed using content analysis..

Results: Based on results of this study, four thematic categories were identified as basic higher education policies that need to be revised: "establishing equal and continuous learning opportunities", "flexibility in higher education admissions", "varied curriculum" and "learner-centeredness".

Conclusion: The results of this research could be applied to revising the higher education policies while focusing on training graduates who possess lifelong learning characteristics.

Keywords: Lifelong learning, higher education policies, qualitative study

Addresses:

¹ (✉)Phd Student, Department of Educational Sciences, Khorasgan (Isfahan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: kamyabimitra@gmail.com

² Associate Professor, Department of Educational Sciences, Khorasgan (Isfahan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. Email: afroughi@khu.isf.ac.ir

³ Professor, Health Management & Economic Research Center, Isfahan University of Medical sciences, Isfahan, Iran. Email: mhyarm@yahoo.com